

### ابراهیم مشفقى فر<sup>۱</sup>

روند حوادث دهه اخیر در منطقه و وجود کانونهای بحران در قفقاز شمالی و در قره‌باغ و روابط جمهوری‌های قفقاز جنوبی با قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و جاذبه‌های نظامی و اقتصادی منطقه برای آمریکا و ناتو وضع دشوار، پیچیده و بفرنجی را در منطقه رقم زد و گذشت زمان بر شدت آن می‌افزاید و به قول کارشناسی، منطقه به بشکه باروتی مبدل شده است. بنابراین، روند پرشتابی در نظامی شدن منطقه که در افزایش روز بروز اعطای کمکهای نظامی به کشورهای منطقه، احداث پایگاههای نظامی بیشتر، برگزاری مانورهای نظامی در دریای مازندران و قفقاز به بهانه‌های مختلف، نمود دارد، دیده می‌شود، روندی که به صف بندی‌های نظامی - سیاسی قدرتهای بزرگ انجامیده و قدرتهای صاحب نقش را بیش از پیش به آمادگی‌ها و تدارکات نظامی سوق می‌دهد. مقاله زیر این روند و عواقب و آثار سیاسی - اقتصادی آن را مطالعه می‌نماید.

مروری بر تحولات نظامی منطقه قفقاز از زمان فروپاشی شوروی تاکنون نشان می‌دهد که ساختارها، پایگاهها، کانونها، و تجهیزات نظامی سه جمهوری تازه استقلال یافته قفقاز جنوبی عمدتاً متأثر از امکانات و سیستم‌های اتحاد شوروی و روسیه کنونی هستند و طی سالهای اخیر تلاش و تکاپو برای نوسازی نظامی بویژه در آذربایجان و گرجستان چشمگیر است. هرچند این فرآیند زمان زیادی لازم دارد تا سیستم و تجهیزات جدید جایگزین گردد، اما عملاً با پیوندهایی که این دو جمهوری با ناتو، ایالات متحده، ترکیه و اسرائیل برقرار کرده‌اند، آغاز شده است و از زمان شروع هرچه بیشتر می‌گذرد این روابط و کمکهای آموزشی، تجهیزاتی و استقرار پایگاههای نظامی بیشتر می‌شود، بنابراین فرآیند تغییر ساختارها و تجهیزات ارتشهای آذربایجان و گرجستان عمدتاً منشاء خارجی دارد تا داخلی و اگر اهداف راهبردی و منافی که

۱. دکتر ابراهیم مشفقى فر، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه امام حسین (ع) است.

قدرتهای مزبور در قفقاز مدنظر دارند، چه بسا اصلاح و نوسازی ارتشهای این دو جمهوری در میان نبود. البته آنچه در ارمنستان می‌گذرد متفاوت با اوضاع و احوال دو جمهوری مزبور است و این جمهوری هم پیمان استراتژیک روسیه است و کمکهای نظامی مورد نیاز آن در مواقع ضروری از کشور مادر رسیده و هر موقع خطری نظامی ارمنستان را تهدید کرده، روس‌ها واکنش لازم را نشان داده‌اند و ارمنستان به فکر جایگزینی سیستم‌ها و تجهیزات غیرروسی نیست و تجربه جنگ قره‌باغ نشان داد که داشتن عقبه تسلیحاتی در رقم خوردن سرنوشت جنگ به نفع آنها بسیار کارساز بوده است.

به‌هرحال، وجود کانونهای بحران در قفقاز شمالی به تعمیق اختلافهای روسیه و گرجستان انجامیده و جنگ قره‌باغ و باقی ماندن کینه‌های ارمنستان و آذربایجان موجب گردید که گرجستان و آذربایجان بدنبال متحدین قدرتمندی بگردند تا از پشتیبانی‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی آنها در مقابل حریفان بهره‌مند شوند. آمریکا و ناتو که انگیزه‌های قوی برای حضور در منطقه داشتند و وجود جاذبه‌های اقتصادی و نظامی در گرجستان و آذربایجان و دریای مازندران و بدست آوردن پایگاههای مهمی که بتواند احاطه و اشراف آنها را بر مناطق مجاور تأمین و تضمین کند آنان را بسرعت به کمک و یاری این دو جمهوری کشاند و بهانه‌هایی چون مبارزه با تروریسم، تأمین امنیت خط لوله باکو - تفلیس - جیحان و .... محملی بر ادامه و گسترش حضور نظامی غرب در منطقه است. اما پیامدهای این حضور عبارت است: شکل‌گیری دوگونه صف‌بندی با شرکت ایالات متحده، ناتو، ترکیه، آذربایجان، گرجستان و اسرائیل در یک سو و روسیه، ایران و ارمنستان از سوی دیگر و نظامی شدن منطقه قفقاز و دریای مازندران یعنی آنچه که ایران و برخی کشورهای دیگر منطقه آن را به نفع منطقه و مصالح آن نمی‌دانند اما در مقابل عاملان آن با اقداماتی نظیر برگزاری مانورهای نظامی و پاره‌ای اقدامات دیگر بر سرعت و شتاب آن می‌افزایند و در سایه آن اهدافی را تعقیب می‌کنند.

نوشته حاضر تحولات نظامی منطقه قفقاز جنوبی را با توجه به نقش قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دنبال می‌کند و به تحولات نظامی کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان از

زمان فروپاشی شوروی و استقلال این جمهوری‌ها می‌پردازد و در این راستا به ظرفیت‌های تسلیحاتی، کمکها و روابط نظامی خارجی و استعدادهای بالفعل و بالقوه آنها توجه شده است. با توجه به اینکه در تحولات و حوادث نظامی منطقه اهداف، منافع و مناسبات قدرتهای نظامی مؤثر در منطقه بیشتر کارساز و حادثه‌آفرین و تعیین‌کننده بود، از آن زاویه نگاه شده و بر مبنای نقش آنها مقاله شکل گرفته است.

### ۱. استعدادهای نظامی اتحاد جماهیر شوروی در قفقاز جنوبی

اهمیت منطقه قفقاز برای اتحاد جماهیر شوروی در معادلات سیاسی - نظامی این امپراتوری بعنوان بزرگترین رقیب بلوک غرب موجب گردیده بود که شوروی‌ها حساب ویژه‌ای در تخصیص پتانسیل‌های نظامی به این منطقه باز کنند. این سرمایه‌گذاری‌ها بعد از فروپاشی شوروی در تعیین وضعیت و شرایط معادلات جدید منطقه اثر بخش گردید. نمود آن هم در ساختارهای نظامی کشورهای تازه استقلال یافته منطقه، یعنی جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و گرجستان مشهود است و هم در پایگاهها، تجهیزات و نیروی انسانی و آموزش‌های نظامی آنها.

ناحیه نظامی جنوب قفقاز به عنوان یکی از نواحی شانزده گانه شوروی دارای ۱۱ لشگر تفنگدار موتوریزه، یک لشگر هوایرد، یک لشگر توپخانه و ۶۲۰ فروند بالگرد از انواع مختلف بوده است. همچنین ۸۴۸ فروند هواپیما از انواع مختلف در این منطقه مستقر بود، مقر اصلی نیروهای زمینی و هوایی شوروی در تفلیس قرار داشت و ناوگان شوروی در دریای مازندران مشتمل بر ۸ فروند شناور رزمی بوده است<sup>(۱)</sup> نیز واحدهایی از ناوگان دریای سیاه، یک پایگاه هوایی و واحدهای عمده‌ای از ارتش ۳۱ شوروی در گرجستان (کوتایسی) مستقر بودند. گرجستان با داشتن سواحل و بنادر عمده‌ای در کنار دریای سیاه و مرز زمینی با ترکیه به عنوان یکی از اعضای ناتو، از جایگاه مهمی از لحاظ دفاعی برخوردار بود. کارخانه ساخت هواپیمای جنگی سوخو-۲۵ و بسیاری تأسیسات دیگر از مجموعه‌های صنایع دفاعی نیز در گرجستان استقرار داشتند.<sup>(۲)</sup>

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، عمده واحدهای ارتش شوروی از منطقه قفقاز خارج گردیدند و مابقی بین جمهوری‌های تازه استقلال یافته تقسیم گردید و در اجلاس ۱۹۹۲ تاشکند مقرر گردید، سه کشور جنوب قفقاز غیر از ۲۲۰ دستگاه تانک، ۲۲۰ دستگاه نفربر، ۲۸۵ قبضه توپ، ۱۰۰ فروند هواپیما و ۵۰ فرند بالگرد مابقی را منهدم کنند<sup>(۳)</sup> اما در عمل آذربایجان به علت داشتن مرزهای طولانی تر و جمعیت بیشتر نسبت به ارمنستان و گرجستان و ادامه ارسال سلاح به نیروهای ارمنستان و اینکه در توافقنامه تاشکند باید تجدیدنظر شود از اجرای تعهدات خود امتناع ورزید.<sup>(۴)</sup>

## ۲. بنیاد و ساختارهای نظامی روسی و نقش نظامی فدراسیون روسیه در قفقاز جنوبی

پس از فروپاش شوروی، روسیه در منطقه قفقاز صاحب نقش شد و ضمن اینکه به میراث نظامی شوروی در این منطقه تدابیری اندیشید، بلکه در تحولات منطقه طی بیش از یک دهه اثر گذاشت و به اقتضای اوضاع و شرایط جدید به تقویت متحدین خود کوشید و در قبال ورود و نقش آفرینی غرب حساسیتهایی نشان دادند.

### الف) آذربایجان

آمار و ارقام مختلفی از تعداد نفرات و تجهیزات روسی و وضعیت آنها در جمهوری‌های تازه استقلال یافته از جمله آذربایجان پس از فروپاشی اتحاد شوروی ارائه شده است. طبق قولی، روسیه تا اواسط ۱۹۹۲ میلادی در آذربایجان حدود ۶۲۰۰۰ سرباز داشت و تعداد قابل توجهی تجهیزات جنگی، از سال ۱۹۹۳ خروج نیروهای روسی از آذربایجان آغاز شد و در ژوئن همان سال آخرین نیروهای روس مستقر در آذربایجان طبق جدول زمانبندی شده خارج شدند و تعداد آنها کاهش یافت و تعداد معتنابهی سلاحها را به فرماندهی سرهنگ حسین اوف سپردند.<sup>(۵)</sup> براساس معاهده تاشکند که بین جمهوری‌های مشترک المنافع امضا شد تعداد

معینی تجهیزات نظامی برای آذربایجان در نظر گرفته شد. طبق گزارشهایی آذربایجان تعدادی از تانکهای تی ۶۴- و تجهیزات دیگری از پادگانهای شوروی در باکو را ربوده و مخفی نمود و در مجموع بیش از از ۲۲۰ تانک تی - ۶۴ و خودروهای زرهی بی‌ام‌پی، بیش از ۲۸۵ قبضه توپ هویتزر و موشک‌انداز ۲۱-بی‌ام و تعدادی موشک زمین به زمین در ارتش آذربایجان مشاهده گردید. همچنین، در سال ۱۹۹۲ حدود ۲۵ درصد از ناوگان شوروی در دریای خزر که تماماً از کشتی‌های جنگی کوچک تشکیل می‌شدند نصیب آذربایجان شد. براساس گزارش منابع جاسوسی آمریکا، آذربایجان در سال ۱۹۹۲ دارای ۳۰ فروند هواپیمای رهگیر و ۱۰۰ فروند هواپیمای تاکتیکی عملیاتی بوده است در صورتی که طبق توافقنامه تاشکند، آذربایجان باید ۱۰۰ فروند جنگنده و ۵۰ بالگرد داشته باشد. طبق شواهدی آذربایجان از هواپیماهای سوخوی ۲۵، میگ ۲۱، هلی‌کوپتر ام-۲۴ و موشکهای سام در جنگ با ارمنستان استفاده کرده است.<sup>(۶)</sup>

روس‌ها تا قبل از روی کار آمدن حیدرعلی اف یعنی در دوران عدم ثبات سیاسی جمهوری آذربایجان «خواهان تشکیل یک دولت طرفدار مسکو» در باکو بودند، بطوری که پایگاههای نظامی خود را در اختیار روسیه قرار دهد و نیروهای روسیه را به عنوان نیروهای حافظ صلح در قریاغ بپذیرد و «روسیه به تنهایی مسیری برای صادرات نفتی آذربایجان» باشد و آذربایجان مشارکت روسیه در تولید نفت ساحلی آذربایجان در دریای مازندران را بپذیرد<sup>(۷)</sup> پس از روی کار آمدن حیدرعلی اف و چرخش سیاسی آذری‌ها به سمت ایالات متحده و غرب، نقش روس‌ها تضعیف و آمریکا، ناتو و ترکیه در آذربایجان دارای موقعیت شدند، با این حال، به علت اینکه ساختار و تجهیزات نظامی آذربایجان روسی است و اکنون هم تمام ۲۲۰ دستگاه تانک ارتش آذربایجان تی ۷۴ و تی ۵۵ و ۲۸۴ قبضه توپ و سیستم پدافند هوایی روسی و از موشکهای سام تشکیل می‌شود و نیروی هوایی آن از هواپیماهای سوخوی ۱۷، ۲۴ و ۲۵ میگ‌های ۲۱، ۲۵ و ۲۹ و بالگردهای روسی می‌باشند،<sup>(۸)</sup> بنابراین قطع بخش عمده پشتیبانی‌های آمادی ارتش روسیه از این کشور موجب گردید تجهیزات ارتش آذربایجان فاقد

کارایی شده و در انبار نگهدار شوند. این ضعف در کنار سایر مشکلات سیاسی - اجتماعی موجب گردید که آذری‌ها در جنگ قره‌باغ در مقابل ارمنستان که از حیث جمعیت و کمیت ارتش ضعیف‌تر از آذربایجان بودند متحمل شکست شده و ۲۱ درصد از خاک این کشور به تصرف ارمنی‌ها درآمد.<sup>(۹)</sup> مقامات آذربایجانی توسعه روابط و همکاری‌های نظامی این کشور با ایالات متحده، ناتو، ترکیه و اسرائیل را در راستای ترمیم آسیب‌پذیری نظامی خود در مقابل ارمنستان قلمداد می‌کنند. اما اخیراً متوجه شدند که بدون جلب همکاری و پشتیبانی روسیه نیل به این مقصود ناممکن است؛ لذا به مذاکراتی با روسیه پرداخته و توافقاتی بدست آوردند و در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۲ طبق توافقی بین دو کشور در مورد ایستگاه رادار قبله مقرر گردید که روسیه کل سیستم اخطار از حمله موشکی و تمامیت سیستم دفاع هوایی دسته‌جمعی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) را حفظ نماید، همچنین، ژنرال میخائیلوف فرمانده کل نیروی هوایی روسیه در اوت ۲۰۰۲ اظهار داشت سیستم دفاع هوایی ملی بایستی با تجهیزات دفاع هوایی همه شاخه‌های نیروهای مسلح توسعه یابد.<sup>(۱۰)</sup> روسیه بابت اجاره رادارها و دریافت اطلاعات از آنها مجبور است مبالغ زیادی بپردازد. برای مثال، هر سال ۷ میلیون دلار به آذربایجان می‌پردازد. آذربایجان صاحب نیرومندترین رادار مدرنیزه شده دریال - او می‌باشد. گفتنی است روسیه در ۳۳۰ کیلومتری شمال غرب شهر باکو در محلی به نام قَبَلَه<sup>(۱۱)</sup> دارای تأسیسات نظامی و پایگاه راداری با قابلیت رهگیری موشک‌های بالستیک، ماهواره‌ها و پروازهای جاسوسی تا فواصل بسیار زیاد است.<sup>(۱۲)</sup> به عقیده کارشناسان، استفاده از ایستگاه‌های راداری واقع در خاک کشورهای دیگر باید موقت باشد، زیرا این وضع برای امنیت ضد موشکی روسیه منفی است. سیستم‌های اخطار از حمله موشکی و نظارت بر فضای کیهانی روسیه به حسن نیت دولتهای دوست ولی بازهم خارجی وابسته شده است. هیچ ضمانتی نیست که اطلاعات از رادارهای خارجی بطور پایدار به ستاد نیروهای فضایی، ریاست وزارت دفاع، ستاد کل و فرمانده کل قوا برسد. ممکن است روزی این رادارها در نتیجه اختلافات بین دولتها خاموش شوند، در این صورت روسیه بدون ضربه موشک‌های بالستیکی و بالدار در نقش غول نابینایی با چماق موشکی و

هسته‌ای در دست قرار خواهد گرفت، سپر موشکی هسته‌ای، بدون تأمین اطلاعاتی، اهمیت سیاسی و دفاعی خود را از دست خواهد داد.<sup>(۱۳)</sup>

### ب) ارمنستان

حضور نظامی روسیه در ارمنستان برخلاف جمهوری‌های دیگر قفقاز روبه‌گسترش بود. ارمنستان بخاطر پیوستن به سیستم امنیتی جامعه مشترک‌المنافع تابع سیاستهای کلان روسیه بود. ارقام مختلفی از تعداد نیروهای روسی مستقر در ارمنستان ارائه شده است. گزارشی حاکی است در اواسط ۱۹۹۲، حدود ۲۳۰۰۰ سرباز روسی در ارمنستان حضور داشتند که قرار بود با تشکیل ارتش ارمنستان از تعداد آنها کاسته شود.<sup>(۱۴)</sup> طبق گزارش دیگری در سال ۱۹۹۳ تعداد نیروهای روسیه در ارمنستان ۵۰۰۰ نفر بودند.<sup>(۱۵)</sup> که احتمالاً با احتساب نیروهای خارج شده روسیه از گرجستان و انتقال آنها به ارمنستان به این تعداد افزایش یافته است.<sup>(۱۶)</sup> ارمنستان یک پایگاه هوایی در ایروان با استعداد دو اسکادران هواپیمای جنگی، یک پایگاه زمینی در گیومری به استعداد یک تیپ مکانیزه و نیروهای مرزبانی از شوروی به ارث برد. گویا سیاست مسکو از سال ۱۹۹۲ وادار ساختن جمهوری‌های تازه استقلال یافته به آویختن به دامان مسکو با اهرمهای خاصی بود از جمله برانگیختن شورش‌ها و ناسیونالیسم ارمنی در اینجامتحد خوبی برای روسیه بود و جنگ ارمنستان با آذربایجان، ایروان را وادار ساخت که ارتباطات تنگاتنگی با مسکو داشته باشد که وجود توافقنامه دوجانبه و انتقال اسلحه میان دو کشور شاهد این مدعاست.<sup>(۱۷)</sup>

تجهیزات نظامی ارمنستان تماماً روسی است و براساس معاهده تاشکند مقرر شد ارمنستان حداکثر ۲۲۰ دستگاه تانک، ۲۲۰ هاورکرافت و خودرو زرهی و ۲۸۵ قبضه توپ داشته باشد. ارمنستان در سالهای اولیه استقلال در زمینه تأمین بهترین سلاحهای روسی پیشرفتهایی داشته است. از جمله تعداد ۱۲۰ تانک تی ۷۲ و تعداد ۷۵ دستگاه تانک از انواع دیگر تهیه کرده و ۴۰۰ دستگاه خودرو زرهی و نفربر زرهی و ۳۴۰ قبضه توپ خودکشی و هویتزر و موشک‌اندازها، خمپاره‌اندازها، سلاحهای ضدتانک پی ۴۴ و تی ۱۲، جنگ‌افزارهای هدایت

شونده ضدتانک و موشکهای سام ۴، ۸ و ۹ تجهیزات دیگری است که طبق گزارشهایی بر تجهیزات موجود آن کشور اضافه گردیده است. نیز طبق توافقنامه تاشکند، ارمنستان مجاز گردیده است حداکثر ۱۰۰ فروند هواپیمای جنگی و ۵۰ فروند بالگرد تاکتیکی داشته باشد. برخی منابع نظامی ایالات متحده مدعی شده‌اند که ارمنستان تا سال ۱۹۹۱ هیچ هواپیمای تاکتیکی نداشته اما منابع نظامی مستقل به وجود ۶ فروند جنگنده و ۵ فروند سوخوی - ۲۵ و یک فروند میگ ۲۵ و تعدادی هلی کوپتر از انواع مختلف اشاره کرده‌اند.<sup>(۱۸)</sup>

جنگ قره‌باغ هم در جهت‌گیری تنظیم روابط نظامی دو کشور درگیر در جنگ تعیین‌کننده بود و هم در آینده مستمسک خوبی برای توجیه همکاری‌های نظامی آن دو با متحدین خود بود و همکاری‌های نظامی ارمنستان و روسیه نیز در یک دهه گذشته متأثر از این فرایند است. ارمنستان از زمان جنگ قره‌باغ بعنوان تنها متحد روسیه در قفقاز، دست روسیه را به تقویت حضور نظامی خود در این کشور باز گذاشت. طبق گزارشی بخشی از سلاحيهایی که مورد استفاده ارمنی‌ها قرار گرفته بود از طریق سپاه هفتم روسیه مستقر در ارمنستان فرستاده شده بود. همچنین، استقرار جنگنده‌های میگ ۲۹ و دفاع ضد موشک پیشرفته و یکپارچه شدن سیستم دفاع هوایی آن صورت گرفت.<sup>(۱۹)</sup> گفتنی است علاوه بر پیمان تاشکند، ارمنستان قرارداد مجزایی برای همکاری نظامی با روسیه دارد که در صورت تهاجم به ارمنستان، روسیه حق دخالت بر ضد کشور مهاجم را خواهد داشت و براساس قرارداد ۲۵ ساله همکاری دفاعی و تأمین پدافند هوایی ارمنستان توسط روسیه، بالغ بر یک میلیارد دلار تجهیزات پدافند هوایی از جمله موشکهای اس ۳۰۰ توسط روسیه در ارمنستان مستقر شده که دفاع هوایی کشور را برعهده دارند.<sup>(۲۰)</sup>

همکاری‌های نظامی روسیه و ارمنستان و در اختیار قرار دادن پایگاههای نظامی ارمنستان به روسیه عکس‌العمل آذری‌ها را به گونه مشابه دربر دارد و آذربایجان را وادار به واگذاری پایگاههای نظامی به ایالات متحده، ناتو و ترکیه می‌کند. چنانچه یک بار مشاور رئیس جمهوری آذربایجان در امور سیاست خارجی (وفاقلی اوف) اعلام کرده بود وقتی که ارمنستان در



اراضی خود اجازه استقرار پایگاههای نظامی روسیه را می‌دهد، چرا جمهوری آذربایجان در خاک خود اجازه استقرار پایگاههای آمریکا، ترکیه و یا ناتو را ندهد؟<sup>(۲۱)</sup>

به هر حال، با وجود اینکه چند سال از جنگ قره‌باغ می‌گذرد هنوز ۳۵۰۰ نفر از نظامیان روسی در ارمنستان حضور دارند. سلاحها و تجهیزات ارتش ارمنستان روسی است و علاوه بر ۱۰۲ دستگاه تانک تی - ۷۲ و ۸ دستگاه تاک تی - ۵۴ و ۲۲۹ قبضه توپ و موشکهای سام و جنگنده‌های سوخو، میگ ۲۵ که سلاحهای اصلی ارتش ارمنستان را تشکیل می‌دهند سایر سلاحها و تجهیزات نیز از نوع روسی است.<sup>(۲۲)</sup> همچنین، طبق اظهارات آناتولی کورنوگف وزیر دفاع روسیه علاوه بر هواپیماهای میگ - ۲۹ که در دسامبر گذشته در ارمنستان مستقر شدند، روسیه تحویل قطعات یک سیستم دفاع هوایی زینت<sup>۱</sup> اس - ۲۰۰ به پایگاه هوایی گیومری خود در ارمنستان را شروع کرد. همچنین، استقرار هواپیماهای اس - ۳۰۰۰ در ارمنستان توسط کورنوگف تأیید شد.<sup>(۲۳)</sup>

تحولات اخیر قفقاز شمالی و تحویل آجاریا توسط روسیه، قفقاز جنوبی را هم تحت تأثیر قرار داد که ارمنستان هم در یک طرف قضیه قرار دارد و می‌تواند رویارویی نظامی دیگری میان آذربایجان و ارمنستان را در پی داشته باشد. ماجرا از این قرار است که پس از حوادث مزبور الهام علی یف رئیس جمهور آذربایجان در مراسم افتتاح پایگاه نظامی جدید در نخجوان اعلام کرد: «ارتش آذربایجان قوی است و می‌تواند همه اهداف تعیین شده را اجرا کند» و اگر مناقشه قره‌باغ از طریق مذاکره حل نشود ارتش آذربایجان وارد عمل شده و آن را بصورت نظامی حل خواهد کرد. وی افزود «ارتش ما می‌تواند در هر لحظه قره‌باغ را برگرداند». به هر حال، ارمنستان در مقابل این مبارزه طلبی باید پاسخگو باشد، اما اینکه در صورت بروز برخورد میان دو جمهوری نتیجه چه خواهد بود کارشناسان روسی معتقدند که باکو در چنین جنگی می‌تواند شکست بخورد و این کار اوضاع داخلی سیاسی این کشور را وخیم خواهد ساخت و سناریوی آجاریا در قره‌باغ تکرار نخواهد شد. زیرا روسیه نقش بسزایی در قره‌باغ ایفا می‌کند و ضامن امنیت این جمهوری است و

1. Zenith

در آجاریا نقش روسیه بمراتب کمتر بود و ارتش قره‌باغ مجهزترین و قوی‌ترین ارتش منطقه ماورای قفقاز است، در حالی که ارتش آذربایجان در حال حاضر در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار دارد. علاوه بر این ارتش ارمنستان از ارتش قره‌باغ حمایت می‌کند.<sup>(۲۴)</sup> هرچند ممکن است درآمدهای نفتی و کثرت جمعیت و برنامه‌های نوسازی نظامی آذربایجان نقاط قوت این کشور در رویارویی‌های آتی احتمالی با ارمنستان باشد، اما هنوز ساختارها و تجهیزات نظامی آذربایجان نیز روسی است و در صورت بروز جنگ میان آن دو حمایت‌های روسی و نقش آن می‌تواند کارساز باشد اما مطمئناً نتیجه قدری متفاوت با گذشته خواهد بود.

### ج) گرجستان

گرجستان به لحاظ جغرافیای استراتژیک، هم برای مسکو، هم برای واشنگتن و هم برای استانبول از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است. برای روسیه، این جمهوری کوچک نقش پلی به سوی ارمنستان را بازی می‌کند، برای ترکیه، پلی به سوی جمهوری تحت‌الحمایه اش آذربایجان و برای آمریکا این سرزمین نقش دالان حمل و نقل نفت و گاز دریای مازندران را به سوی اروپا ایفای می‌کند.

روابط نظامی روسیه و گرجستان از زمان فروپاشی شوروی تاکنون تحت تأثیر هم نقش آفرینی قدرتهای فرامنطقه‌ای بویژه آمریکا و ناتو بوده و هم متأثر از اختلاف دو کشور پیرامون ناحیه تجزیه‌طلب آبخازیا و مسائل چچن قرار گرفته است.<sup>(۲۵)</sup> بنابراین طی سالهای مزبور بتدریج از نفوذ نظامی روس‌ها در گرجستان کاسته شده و آمریکا و ناتو جای پا و نفوذ بیشتری بدست آورده‌اند.

قبل از استقلال این جمهوری، بخشی از استعداد‌های نظامی شوروی در گرجستان قرار داشت، مراکز اصلی نظامی شوروی در گرجستان عبارت بودند از: قرارگاه تاکتیکی فرماندهی ناوگان دریای سیاه و بندر پوتی، پایگاه هوایی وازیانی در تفلیس با استعداد یک اسکادران هواپیمای جنگی و یک اسکادران هواپیمای پشتیبانی، پایگاه زمینی بندر باتومی با استعداد

یک تیپ مکانیزه و پایگاه زمینی آخالکالاکی با استعداد یک تیپ مکانیزه. لازم به ذکر است پایگاه باتومی (مرکز آجاریا) بعلت هم‌مرز بودن این منطقه با ترکیه بعنوان یکی از کشورهای عضو ناتو و رقیب سنتی تاریخی روسیه حائز اهمیت فراوانی است. (۲۶)

همزمان با استقلال گرجستان، ۲۰۰۰۰ سرباز روسی در این جمهوری بودند که در سال ۱۹۹۹، بخشی از این نیروها به ارمنستان منتقل شدند. پس از تشدید عملیات روسیه در قفقاز شمالی و جنگهای داغستان و چچن از ابتدای دهه ۱۹۹۰ به بعد، گرجستان خواهان کاهش نیروها و برجیده شدن پایگاههای روسیه گردید. ادوارد شوارز نادزه رئیس جمهور وقت گرجستان اعلام کرد تا زمانی که مسکو به بازگرداندن منطقه تجزیه شده آبخازیا به گرجستان کمک نکند، پارلمان توافقنامه حفظ پایگاههای نظامی روسیه را امضا نخواهد کرد و روسیه باید به جمع کردن سه پایگاه و خروج ۹۰۰۰ سرباز و ۱۸۰ دستگاه تانک خود از گرجستان اقدام کند. (۲۷)

در ۲۵ ژانویه ۱۹۹۹ در اجلاس سازمان امنیت و همکاری اروپا در استانبول، روسیه متعهد شد که سطح سلاحهای سنگین زمینی خود را معادل یک لشگر کاهش دهد و خروج نیروهای روسی از پایگاه وازیانی<sup>۱</sup> و گودایوتا<sup>۲</sup> (در آبخازیا) در برنامه قرار گیرد و آن دو پایگاه در اول جولای ۲۰۰۱ بسته شوند. البته گرجستان موافقت کرد که به فوریت TLE روسیه در پایگاههای باتومی<sup>۳</sup> و آخالکالاکی<sup>۴</sup> مستقر شوند. فرایند اعاده پایگاههای گرجستان در وضعیت فرار اوضاع را در نزدیک مرزهای این کشور پیچیده کرد. روسیه پایگاه وازیانی گرجستان را در اواسط ۲۰۰۱، به کنترل خود درآورد، اما خروج از گودایوتا تا اول جولای ناقص ماند. روسیه ادعا کرد که اسلحه و نیروهایش را از پایگاه گودایوتا خارج کرده است، اما گرجستان با خروج نیروهای روسیه تحت نظارت یک بازرسی بین‌المللی مخالفت کرد. کارشناسان نظامی سازمان امنیت و همکاری اروپا طی بازدیدی از پایگاه گودایوتا در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۲ نحوه انتقال قانونی و در عین

1. Vaziani

2. Gudauta

3. Batomi

4. Akhalkalaky

حال سریع تجهیزات روسیه از این پایگاه را در نظر گرفتند. اما گرجستان ادعا کرد که روسیه به تعهدات خود در مورد گودایوتا عمل نکرده و اعلام کرد که روسیه تا زمانی که معیارهای شفاف کافی بدست نیاورد، تعطیلی و برجیدن پایگاه مزبور را به اتمام نمی‌رساند و آنرا منتقل نمی‌کند.<sup>(۲۸)</sup> با وجود کاهش نیروهای روسیه در گرجستان، هنوز ۴۰۰۰ نفر سرباز، سه پایگاه (هریک در حد یک تیپ تقویت شده)، ۶۵ دستگاه تانک T-72، ۲۰۰ خودروی زرهی رزمی، ۱۳۹ قبضه توپ، تعدادی راکت انداز چندگانه و خمپاره انداز و ۵ فروند هلی کوپتر تهاجمی وجود دارد. نیروهای روسیه مستقر در گرجستان و ارمنستان تابع ناحیه نظامی قفقاز شمالی هستند.<sup>(۲۹)</sup> گرجستان هم مثل ارمنستان و آذربایجان دارای ارتشی با ساختار و تجهیزات روسی است که از ۸۶ دستگاه تانک آن ۵۵ دستگاه از نوع تی - ۵۵ و ۳۱ دستگاه از نوع تی - ۷۲ و تجهیزات هوایی و پدافند هوایی آن از جنگنده‌های سوخو - ۲۵ (۷ فروند)، سوخو - ۱۷ (۵ فروند) و ... و موشک‌های سام و ... می‌باشند.<sup>(۳۰)</sup>

اخیراً ایوانف وزیر دفاع روسیه پس از دیدار با گلایزواشویلی همتای گرجی خود گفت که در آینده بسیار نزدیک برنامه همکاری‌های دوجانبه بین وزارتخانه‌های دفاع دو کشور به امضا خواهد رسید. به گفته وی، روسیه مجدداً آمادگی خود را برای آموزش نیروهای نظامی گرجستان از طریق بورسیه در چارچوب جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در دانشگاه‌های نظامی خود اعلام کرده است. ایوانف اضافه کرد که علاوه بر این ما در زمینه انتقال بخشی از پایگاهها و تجهیزات نظامی روسیه در قفقاز جنوبی به گرجستان به مرحله توافق عملی رسیدیم. به گفته وی قرار است از طریق وزارت دفاع روسیه بخشی از تجهیزات نظامی که روسیه به آنها نیاز ندارد و از آنها استفاده نمی‌کند به وزارت دفاع گرجستان تحویل داده شود.<sup>(۳۱)</sup>

به هر حال، روس‌ها قفقاز را بخشی از حوزه نفوذ خود می‌دانند و از طریق پایگاه‌های نظامی در گرجستان و ارمنستان و در قالب نیروهای پاسدار صلح در اوستیای جنوبی و آبخازستان و قره‌باغ در منطقه حضور دارند و پیمانهای نظامی روسیه با گرجستان و ارمنستان و پیمان دفاع از مرزهای خارجی CIS حلقه‌های پیوند روسیه با قفقاز است و براساس دکترین

نظامی ۱۹۹۳، روسیه به حق دخالت یکجانبه خود در قفقاز تأکید کرده است و عملیات نظامی روسیه را مجاز دانسته است.

اما در روابط روسیه و گرجستان عامل اصطکاک و وجود دارد که بحرانهایی را در روابط نظامی دو کشور پدید آورده است و اخیراً ابعاد پیچیده‌ای یافته و حیثیت روسیه را لکه‌دار کرده است. لازم به توضیح است که بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، روسیه اقدامات خود را در چین مبارزه با تروریسم بین‌المللی معرفی کرد و سعی کرد توجه غرب را از اعمال خشونت بر ضد چینی‌ها منحرف سازد، سپس تردد نیروهای چینی از دره پانکیسی را در سطح بین‌الملل مطرح کرد و توفیقاتی یافت و عملیات چینی‌ها بر ضد نظامیان روس کاهش قابل ملاحظه‌ای یافت. در این میان ناتوانی ادوارد شوارز نادره برای جلوگیری از تحکیم نفوذ روسیه در این کشور و وابستگی اقتصادی تفلیس به مسکو، واشنگتن را برای تغییر حکومت در این کشور واداشت.

میخائیل ساکاشویلی پس از روی کار آمدن در گرجستان نخستین اقدام خود را در نوامبر سال گذشته میلادی، بر محدود ساختن جمهوری خودمختار آجاریا متمرکز کرد که از نظر کارشناسان هدف وی تضعیف نفوذ روسیه در این کشور بود. تحرک روسیه در تحولات آجاریا در مقایسه با دیگر جمهوری‌های خود خوانده در خاک گرجستان به دلیل نبود مرز مشترک با آن و پیگیری جدی آمریکا محدود بود. روسیه جهت اجتناب از تأثیر منفی بین‌المللی شدن بحران آجاریا که ساکاشویلی و آمریکا بدنبال آن بودند، انگیزه خود را در حمایت از اصلان آباشیدزه از دست داد و سعی کرد از بحران آجاریا با خسارت کمتر خارج شود و با کنار کشیدن از این مسئله امتیازاتی از آمریکا و گرجستان بگیرد. گئورگی سرتلی رئیس حزب استقلال ملی گرجستان عقیده دارد، موفقیت ساکاشویلی در آجاریا در قبال رضایت وی با تمدید مدت زمان حضور پایگاههای نظامی روسیه در مناطق باتومی و آخکالاکی این کشور عملی شد. (۳۲)

اما دیدگاه دیگری روس‌ها را بازنده این بازی نشان می‌دهد. طبق این دیدگاه گرچه معامله پوتین با گرجی‌های آمریکایی محتمل بنظر می‌رسد اما احداث ۳ پایگاه نظامی آمریکا که ویژه جنگنده بمب‌افکن‌های نیرومند و هلی‌کوپترهای نظامی با تخصص عملیات کوهستان تا

سال ۲۰۰۵ و شروع آموزشهای ارتش گرجستان توسط آمریکایی‌ها از سال ۲۰۰۲ و در مخاطره از دست رفتن موشکهای روسی زنیث در آجارو مهمات و تانکهای موجود در آبخازیا و اوستیا را دلیل بازنده بودن و حتی تحقیر روسیه در این بازی به حساب آورده است.<sup>(۳۳)</sup> برخی نیز ورود آمریکا به منطقه قفقاز در اثر تحولات گرجستان را تأثیر آن بر امنیت روسیه خواندند که روسیه نیز سعی می‌کند این تأثیرگذاری را کاهش دهد و روسیه با داشتن سه نقطه ضعف دولت گرجستان (آجارستان، آبخازیا و اوستیا) توانسته تاحدی دولت ساکاشویلی تحت حمایت آمریکا را در موضع تدافعی قرار دهد.<sup>(۳۴)</sup>

### ۳. تغییر ساختارها و نقش آمریکا و ناتو

روند حوادث و صف‌بندی‌های بین‌المللی تحولات منطقه قفقاز را پس از فروپاشی امپراتوری شوروی با شتاب و پیچیدگی‌های فوق‌العاده‌ای مواجه کرد و کشانده شدن پای ایالات متحده و ناتو و اسرائیل در منطقه بر حساسیت فضا یا افزوده و اهمیت رویدادها و کشورهای منطقه بیش از پیش فزونی یافت و بستر و زمینه با این ورود برای رقابتهای حال و آینده میان قدرتهای فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای مهیا گردید. این فرایند تأثیر و تأثر متقابلی با جریانهای داخلی قفقاز و تنش‌ها و جنگهای میان کشورهای منطقه و حتی مسائل داخلی هر کشوری و جریانهای اقتصادی منطقه پیدا کرد.

این فعل‌انفعالات بیش از هر مسئله دیگری بر شاخص‌های نظامی منطقه اثر گذاشت و نوساناتی را بوجود آورد که توأم با نوسازی و اصلاح در ساختارها و تجهیزات و تغییر در بافتها و سیستم‌ها و آموزشها و قابلیت‌های نظامی این کشورها بود که بیشترین عامل تعیین‌کننده در این راستا با حضور قدرتهای بزرگ مداخله‌کننده در منطقه گره خورده است و با توجه به فقدان استحکام در بنیانهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی و اجتماعی کشورهای قفقاز جنوبی بفوریت در جریانها و موجهای بین‌المللی به این سو و آن سو کشانده شدند. البته، پیش از اینها کشورهای بزرگ منطقه در دهه گذشته نتوانستند بسان استوانه‌هایی محکم و ثابت تکیه‌گاه و

مرجعی برای حل اختلافات داخلی این کشورها و کمک به آنها در رفع نیازمندی‌هایشان باشند و با این کار مانع از روی آوردن آنها به قدرتهای فرامنطقه‌ای گردند تا اکنون حضور نظامی قدرتهای مزبور اسباب زحمت منطقه و کشورهای مجاور گردید.

برای انجام نوسازی و بهسازی در ارتش آذربایجان، انگیزه‌ها، ابزارها، توان اقتصادی و همکاری‌های خداوندان اسلحه و تجهیزات و دانش و فن‌آوری وجود دارد. شکست آذری‌ها از ارامنه در جنگ ناگورنو قره‌باغ و اشغال بخشی از این کشور توسط ارمنستان برای آنان فاجعه‌ملی بوده و عقده‌ها و کینه‌های مردم این جمهوری را بسان آتش زیر خاکستر در خود دارد و همین عامل و فکر جبران این شکست انگیزه قوی برای روی آوردن آذری‌های به نظامی‌گری و سرمایه‌گذاری در این فاز است و برای تحقق آن و برای «نوسازی نیروهای مسلح»<sup>(۳۵)</sup> مؤثرترین ابزار به شمار می‌رود و در این میان حرص و ولع آمریکا و ناتو و ... برای حضور و نفوذ در منطقه و نیاز آذری‌ها به یافتن متحدینی در مقابل ارمنستان متکی به روسیه وضعیتی را بوجود آورده است که معلوم نیست برای کل کشورهای منطقه در آینده چه نفعی خواهد داشت.

به‌هرحال آذری‌ها و گرجی‌ها برای بهره‌گیری از کمکهای نظامی آمریکا، ناتو و ترکیه و بنابه پاره‌ای ملاحظات دیگر از ابتدای استقلال کشور خود اصلاحات نظامی و ایجاد تغییر و تحول و نوسازی در ارتش‌های خود را در دستور کار قرار داده‌اند. چنانکه «آذربایجان ... از اسرائیل، ترکیه و چین سلاح (خرید) و استاندارد کردن، از اولویتهای نخست نیروهای مسلح»<sup>(۳۶)</sup> این جمهوری قرار گرفت و رئیس‌جمهور وقت گرجستان (شوارد نادره) با تأکید از رهایی کشورش از سیطره روسیه به شورای امنیت ملی خود دستور داد، طرح جدیدی برای ارتش به مرحله اجرا درآید. طبق این طرح ارتش ۳۳۰۰۰ نفری این کشور نوسازی شده و خود را با استانداردهای ناتو تطبیق دهد لذا «داویدتف سادزه»<sup>۱</sup> وزیر دفاع وقت، سفارش سلاحهای جدید و قایق‌های گارد ساحلی به غرب داد. مقرر گردید افسران گرجی توسط آمریکایی‌ها و آلمانی‌ها آموزش ببینند و بنیفورم آنها در انگلستان و ترکیه دوخته شود.<sup>(۳۷)</sup>

1. Dawid Tewsadse

در سالهای گذشته آذربایجان و گرجستان گامهای مهمی در اصلاح نیروهای مسلح خود براساس استانداردهای ناتو برداشته‌اند، حضور دسته‌هایی از پیاده نظام آذربایجان و گرجستان در کفور<sup>۱</sup> اثبات کرد که این مشارکتها به حقیقت می‌پیوندد (۳۸) و اخیراً با کوسهم فاش نشده‌ای از درآمد نفتی خود را برای نوسازی نیروهای مسلح صرف کرده است. (۳۹) علاوه بر جنبه‌های ساختاری و تسلیحاتی، اقداماتی در جهت نوسازی فرودگاههای شهرهای کوردمیر، حاجی قبول و گنجه که از مدتی پیش طبق استانداردهای ناتو نوسازی شده بود، مورد استفاده قرار گرفت. (۴۰)

آذربایجان با ۶۶۴۹۰ نیروهای نظامی فعال و ۳۰۰۰۰۰ (۴۱) نیروی ذخیره بیشترین تعداد پرسنل در میان کشورهای قفقاز را داراست و حقوق بالاتر و تجهیزات بیشتر و بهتری نسبت به گرجستان دارد. در «جنگ قره‌باغ، ارتش آذربایجان بعد از پیروزی‌های قطعی در میان جنگ سیاسی با ترک خدمت گروهی سربازان روبرو شد که در روند شکست تأثیر داشت. سربازان وظیفه تمایل داشتند از منطقه روستایی خودشان دفاع کنند و نه دیگران. هنگامی که پرزیدنت علی یف چند ناحیه را در متارکه ۱۹۹۴ باز پس گرفت ارتش به عدم اعتماد خود ادامه داد و جامعه نیز هیچ اعتمادی به این ساختارها نداشت...» ارمنی‌ها از جمله با تجهیزات از راه دور همچون هواپیماها و راکت‌های آذربایجان که می‌تواند به آرامی قره‌باغ را از جمعیت خالی کند واهمه دارند که در این صورت تهاجم مصمم ارمنستان سرانجام غالب خواهد شد. (۴۲) بنابراین مرتبط با مسائل ارمنستان مهمترین الزامات را در نوسازی نظامی آذربایجان بوجود آورده است که بالطبع برای برآوردن نیازهای خود قدرتهای بزرگی چون آمریکا و ناتو محل مراجعه خواهد بود. دریافت سلاح و تجهیزات و سایر کمکهای نظامی روسیه به ارمنستان بیش از پیش در نزدیکی آذربایجان به آمریکا و ناتو مؤثر واقع شده است، چنانچه علی یار صفوی یکی از وزیران سابق آذربایجان گفته است «دریافت جنگ‌افزارهای پیشرفته روسی به ارزش میلیاردها دلار به دست ارمنستان، خواه‌ناخواه آذربایجان را بر آن می‌دارد که با توجه به تهدید تمامیت ارضی خود، سعی در تقویت قدرت خود در منطقه بنماید». (۴۳)



کمکها و همکاری‌های نظامی آذربایجان و ناتو و آمریکا به انحاء مختلف یا صورت گرفته و یا مطرح است که عبارتند از: تأسیس یک پایگاه نظامی ناتو در شبه جزیره آپشرون، کمک ۴/۴ میلیون دلاری به آذربایجان برای تطابق ارتش این کشور با استانداردهای ناتو، توسعه امکانات ناوگان دریایی - نظامی آذربایجان در راستای تأمین امنیت خطوط مرزی دریای و استاندارد شدن فرودگاهها و حریم هوایی آذربایجان، ایجاد پایگاه نظامی آمریکا در آذربایجان و آموزش افسران آذری در ایالات متحده.<sup>(۴۴)</sup> آذربایجان برای پدید آوردن صلح و ثبات در این کشور به نقش ناتو اهمیت فراوان قائل است و ناتو در سایه موفقیت‌های خود در بالکان، تصویری قدرتمند در آذربایجان دارد و بسیاری از دولتمردان آذربایجان بر این باورند که ناتو می‌تواند در تغییرات داخلی همچون کمک به اصلاحات در نیروهای مسلح کمک نماید<sup>(۴۵)</sup> و به نوشته واشنگتن پست کارشناسان نظامی احتمال داده‌اند که جمهوری آذربایجان برای ایجاد مرکز تربیت نیروهای هوایی آمریکا یا محل استقرار تعداد زیادی نیرو و جنگ‌افزارهای آنها مورد استفاده قرار گیرد.<sup>(۴۶)</sup> اخیراً آذربایجان برای پیوستن به ناتو تمایل بیشتری نشان داده و در اوایل هفته پایانی نوامبر ۲۰۰۲ به عضویت مجمع پارلمانی ناتو درآمد و در حال حاضر احتمال استقرار نیروهای ناتو در کشورهای مایل به عضویت در آن و بدون امضای هیچ‌گونه موافقتنامه‌ای افزایش یافته است. کارشناسان مسائل نظامی می‌گویند فرودگاههای شهرهای کوردمیر، حاجی قبول و گنجه که از مدتی پیش براساس استانداردهای ناتو نوسازی شده‌اند، مورد استفاده قرار می‌گیرند. در اواخر شهریور ۱۳۸۲ ژنرال ابی یف وزیر دفاع آذربایجان اعلام کرد که آمریکا و ناتو نباید در گسترش همکاری نظامی با آذربایجان هیچ تردیدی به خود راه دهند.<sup>(۴۷)</sup>

اما تمام احزاب و سیاستمداران آذری در این زمینه متفق‌النظر نیستند و برخلاف احزاب راستگرا و نزدیک و هوادار دولت، احزاب ملی و مذهبی و دموکرات مخالف سرسخت پیوستن به ناتو هستند. کشوری که بسیار فقیر و توسعه نیافته است، طبیعی است که واقعگرایان با نگرانی از افزایش هزینه‌های نظامی تمایلی به پیوستن به ناتو و هر اتحاد نظامی دیگر با کشورهای قدرتمند خارجی نداشته باشند، لذا اتحاد حزب کمونیست جمهوری آذربایجان به رهبری صیاد

صیاداف با صدور بیانیه‌ای در ژانویه ۱۹۹۸، مخالفت خود را با استقرار پایگاه‌های نظامی خارجی در خاک این کشور اعلام کرد. در این بیانیه، استقرار پایگاه‌های نظامی خارجی با منافع جمهوری آذربایجان مغایر توصیف و تأکید شده که اقدام باکو خلاف قانون اساسی جمهوری آذربایجان است و با استقلال این کشور نیز منافات دارد.<sup>(۴۸)</sup>

ارقام مختلفی از کمک‌های مالی آمریکا به آذربایجان وجود دارد. از جمله بر اساس گزارش سایت اینترنتی «ناظر کمک خارجی»، دولت آمریکا ۱۲/۵ میلیون دلار در اختیار جمهوری آذربایجان قرار داده است و برای سال ۲۰۰۴ نیز ۴۱/۵ میلیون دلار از کنگره تقاضا کرده است. همچنین پنج شناور نظامی آمریکایی به آذربایجان اهدا شده که عمر مفید آنها سپری شده است. ارائه این کمک‌ها واکنش روس‌ها را بدنبال داشته است، چنانکه نیکلای ربایف سفیر مسکو در باکو گفته است: مسکو اجازه ورود آمریکا به حوزه دریای خزر را نخواهد داد و جمهوری آذربایجان با این کارها برای خود دردسر ایجاد می‌کند و این پایگاه‌ها چیزی عاید آذربایجان نخواهد کرد و مسائل امنیتی دریای خزر نیز باید با حضور دولتهای حوزه دریای خزر و نه با حضور آمریکا که می‌خواهد وارد منطقه شود، حل و فصل شود.<sup>(۴۹)</sup>

حضور و کمک‌های نظامی ناتو و ایالات متحده به گرجستان نیز فزاینده و روبه افزایش بود و با توجه به اینکه این کشور نیز مثل ارمنستان و آذربایجان عضو شورای مشارکت اروپا - آتلانتیک است که با ناتو نیز برنامه مشارکت برای صلح را امضا کرده‌اند و در این چارچوب مانورهای مشترک نظامی و غیرنظامی و نوسازی نیروهای مسلح را داده است. اما در عمل روابط ناتو با دو کشور آذربایجان و گرجستان توسعه بیشتری یافته است. گرچه این همکاری‌ها تضمین‌های امنیتی بدنبال ندارد با این حال مقامات آذری و گرجی همواره از ناتو خواهان برخورد فعالانه در تحولات منطقه قفقاز هستند.<sup>(۵۰)</sup> برخی از مقامات آذری پیشنهاد داده‌اند که ناتو می‌تواند به حفاظت از خط لوله عبوری از خاک آذربایجان کمک کند. این موضوع در مه ۱۹۹۹ در جریان دیدار هیأتی از گروه مشورتی ناتو از باکو مطرح شد و شواردناده رئیس جمهور وقت گرجستان نیز پیشنهاد کرد که ناتو می‌تواند در آینده واحدی از نیروهای پاسدار صلح برای

جایگزینی با نیروهای کشورهای مشترک‌المنافع در آبخازیا تشکیل دهد.<sup>(۵۱)</sup> گفته می‌شود روابط بین آذربایجان و ارمنستان بر سر مسئله قره‌باغ بدون وصول به نتیجه قابل ملاحظه‌ای متشنج باقی ماند و طرفین نیروهای قابل ملاحظه‌ای در دو طرف خط آتش‌بس نگه داشتند. ارمنستان ارتش قدرتمند و مورد حمایت روسیه را در محل مورد اشاره نگه داشت. طبق برنامه پروژه خط لوله باکو-جیحان تا سال ۲۰۰۴ تکمیل می‌شود، جنگ دو کشور و ویرانی حداقل ۲۰ کیلومتر خط لوله در خط آتش‌بس در سمت آذربایجان می‌تواند فشار بیشتری باشد. زیرا آذربایجان در نظر دارد بین سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ بیشترین درآمد نفتی را از حوزه‌های دریای خزر بدست آورد.<sup>(۵۲)</sup>

در گرجستان نیز روند روبه رشدی از حضور و کمکهای نظامی غرب مشهود است. کمک ۹ میلیون دلاری آمریکا به این کشور برای آموزش پرسنل نظامی و ارتقای ساختار ارتش گرجستان را فراگرفت و افزایش این کمکها به ۷۰ میلیون دلار تا سال ۲۰۰۲<sup>(۵۳)</sup> و برنامه‌هایی برای تأمین امنیت گرجستان شامل کمکهای آموزشی، تکنیکی و تدارک تجهیزات بازدارنده، تحریم غیرقانونی رفت و آمد کشتی‌های شناور، هواپیماها، خودروها، ناوگان و تجهیزات ارتباطی و راداری که افزایش زیرساختها را در پی داشت اجرا شد. ایالات متحده تحت برنامه تجهیز و تربیت نیروهای مسلح گرجستان تا اواخر ۲۰۰۳ اقداماتی انجام داد و بخش دیگری از کمکهای آموزش و تجهیز در قالب برنامه کاختی ۲۰۰۲ برای کمک به وزارت دفاع گرجستان جهت حل و فصل مسئله شورشیان چچن در پانکیسی گرجستان طراحی شد، که در ۲۵ اوت ۲۰۰۲ شروع و تا ژوئن ۲۰۰۳ تقریباً ۱۵۰۰ نفر آموزش دیدند. با توجه به اینکه استانداردهای نیروهای مسلح گرجستان پایین است، این برنامه‌ها را برای ارتقای استانداردهای مزبور و بهبود هماهنگی بین بخشهای دیگر نیروهای مسلح و بازدارندگی بر گروههای شبه نظامی مسلح با تأثیرات مثبت<sup>(۵۴)</sup> ارزیابی کرده‌اند. آمریکا حدود ۲۰۰ کارشناس نظامی به همراه ادوات لازم جهت تجهیز و آموزش ارتش گرجستان فرستاد. این تعداد به ۲۰۰۰ نفر قابل افزایش است. اختلافات و درگیری‌های بین مسکو و تفلیس بر سر شورشیان چچن و پانکیسی و ناتوانی نظامی گرجستان در مقابل

روسیه را عامل جلب و جذب گرجستان به آمریکا و ناتو قلمداد شده است.<sup>(۵۵)</sup> آمریکا پس از حوادث یازده سپتامبر در منطقه پایگاه هوایی تغلیس پایگاه هوایی جدیدی به نام «مارینو بانگلیسی» دایر کرده است که مقامات گرجی هدف از آن را آموزش نظامیان گرجستان بیان کرده‌اند. از زمان برکناری ادوارد شوارد نادره و روی کار آمدن ساآکاشویلی، گرجستان به پشتیبانی ایالات متحده در فرایند رویارویی با روسیه بر سر مسائل مورد اختلاف طرفین موضع فعال و تهاجمی در پیش گرفته است که اجرای مانور رزمی اخیر آخرین شاهد این مدعاست. نکته مهمی که پیرامون افزایش چشمگیر حضور نظامی آمریکا در گرجستان و آذربایجان مطرح است اینکه مقامات آذری این وسعت حضور را پاسخی به کمکهای نظامی روسیه به ارمنستان و در راستای دوستی متقابل آمریکا و آذربایجان و بمنظور بیمه کردن این کشور در مقابل تهدیدهای مسکو و حتی برای «تحت فشار قرار دادن ایران، روسیه و بویژه ارمنستان»<sup>(۵۶)</sup> ذکر کرده‌اند در صورتی که مقامات آمریکایی از جمله رامسفلد گفته است، محور همکاری آذربایجان و آمریکا امور مربوط به مبارزه با تروریسم، قاچاق سلاحهای کشتار جمعی و مواد مخدر خواهد بود.<sup>(۵۷)</sup> گفتنی است «جلوگیری از گسترش سلاحهای کشتار جمعی» از جمله مستمسک‌هایی است که ناتو و آمریکا در توجیه حضور نظامی خود در منطقه مطرح می‌نمایند. زیرا در منطقه قفقاز مقادیر قابل توجهی اورانیوم غنی نشده وجود دارد که در وضعیت سالمی نیست و پس از فروپاشی اتحاد شوروی و بدنبال آن واقعه ۱۱ سپتامبر نگرانی‌هایی وجود دارد که برخی کشورها یا گروههای تروریستی، ممکن است این اورانیوم‌ها، زیرساختها و متخصصان را بدست آورند. اهمیت فراوان قفقاز جنوبی در امنیت اوراسیا و سوءظن ناتو به حضور نظامی روسیه در «منابع طبیعی استفاده نشده حوضه خزر» و لزوم انتقال نفت و گاز این حوزه به بازارهای مصرف علاقیدی است که ناتو در منطقه دارد.

اما دلایل فوق برای گسترش حضور نظامی آمریکا و ناتو را باید با احتیاط تلقی کرد و با شک و تردید بدان نگریست و در نگرشی انتقادآمیز از این حجم حضور نظامی در منطقه نکاتی به نظر می‌رسد که عبارتند از:

۱. حجم کمک‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و جابجایی نیروهای نظامی نشان می‌دهد اهداف استراتژیک مدنظر است و این حجم و کمیت فراتر از مسائلی نظیر تأمین امنیت خط لوله و یا مبارزه با تروریسم و مواد مخدر است و اعلام استقرار ۱۵۰۰۰ نیروی نظامی آمریکا در جمهوری آذربایجان و قصد واشنگتن به انتقال بخش عمده‌ای از نیروی ۷۰۰۰۰ خود از آلمان به کشورهای نفت‌خیز قفقاز و آفریقا شواهد این مدعاست.

۲. جهت‌گیری کمک‌ها برای تقویت بنیه نظامی آذربایجان در مقابل ارمنستان چندان مفید و مؤثر نیست و بیش از آنکه این کمک‌ها دردی از دردهای آذری‌ها را در مقابل روسیه و ارمنستان دوا کند برای اهداف راهبردی آمریکا مفید خواهد بود.

۳. در گرجستان با وجود همگامی‌ها و هماهنگی‌هایی که شوارنادزه با آمریکا و ناتو داشت با نقش‌آفرینی آمریکا سرنگون شد و دولت دیگری روی کار آمد که بیشتر در این راستا مؤثر واقع شود.

۴. هرچند احساس خطر آذری‌ها از ارمنستان و اختلافات گرجی‌ها با روسیه در پانکیسی و سایر مسائل در شکل‌گیری صف‌بندی‌ها و یادگیری‌ها مؤثر است اما برخی قدرتها از این وضعیت بهره‌برداری‌های بیشتر به نفع خود داشته‌اند.

## نقش ترکیه

ترکیه نیز نسبت به مسائل قفقاز از زمان استقلال کشورهای این منطقه حساسیت و تحرک بیشتری نشان داده و در صدد برآمد نقش محوری در منطقه ایفا نماید. عضویت این کشور در ناتو و روابط دوستانه‌اش با گرجستان و آذربایجان و علقه‌های تاریخی آن در قفقاز انگیزه قوی‌تری در پویایی این کشور در منطقه داده است.

در دوران حاکمیت شوروی، ناتو به استقرار رادارها و سیستم‌های شنود استراتژیک در بخش‌های شمالی و شرقی ترکیه به جمع‌آوری اطلاعات از واحدها و تحرکات ارتش شوروی در قفقاز و دریای سیاه می‌پرداخت که این نقش طی سالهای پس از فروپاشی قدری تضعیف شد، اما

از بین نرفته و ترکیه همچنان نسبت به واحدهای باقی‌مانده ارتش روسیه در ارمنستان، گرجستان و ناوگان دریای سیاه حساسیت دارد. ترکیه از سال ۱۹۹۱ در قبال آذربایجان اهدافی چون تضمین استقلال، تشکیل یک دولت در باکو، تضمین حاکمیت آذربایجان بر ناگورنوقره‌باغ، محدود کردن حضور روسیه در ماورای قفقاز و مشارکت در تولید نفت خام آذربایجان و صدور بخش قابل توجهی از نفت آذربایجان از طریق ترکیه را تعقیب می‌کند. البته موانعی هم بر سر راه ترکیه وجود دارد که می‌توان به همسایگی این کشور با روسیه و نگرانی‌هایی که روسیه بعنوان قدرت برتر و اتمی در قفقاز، نبود پیوستگی جغرافیایی بین ترکیه و آذربایجان (غیراز یازده کیلومتر در شمال غربی نخجوان)، همکاری نظامی ارمنستان با روسیه و نزدیکی ارمنستان به ایران، اشاره کرد. آنکارا در چارچوب سیاستهای ناتو به پرهیز از تعهدات الزام‌آور دفاعی در قفقاز ادامه می‌دهد و مثل سایر متحدین خود در ناتو منفعتی در جناح‌بندی قفقاز به دو گروه متخاصم کشورها مشاهده نمی‌کند و وزارت امور خارجه و ستاد ارتش ترکیه به تبعیت از ناتو سیاست جنگ با روسیه در قفقاز را دنبال نمی‌کنند. (۵۸)

پس از فروپاشی شوروی، ناتو بسرعت با کشورهای جنوب قفقاز به گسترش مناسبات پرداخت و وزارت امور خارجه و ستاد ارتش ترکیه با علاقمندی بسیار به هدایت و جهت‌دهی فعالیتهای ناتو در جنوب قفقاز تمایل نشان دادند و تلاش کردند، جای پای این اتحادیه را در منطقه محکم‌تر سازند. لذا مقامات سیاسی و نظامی ترکیه در دیدار با مقامات اتحادیه اروپایی همواره سعی می‌کنند به اهمیت استراتژیک و جایگاه حساس ترکیه در منطقه‌ای پر آشوب اشاره و تأکید نمایند. گویا وزارت امور خارجه و ارتش ترکیه خواهان وضعیتی نیستند که این کشور در جنوب قفقاز به سمت رویارویی نظامی با روسیه‌ای که بتدریج در دوران ولادیمیر پوتین جان تازه‌ای گرفته و در جستجوی بازیابی سلطه پیشین منطقه‌ای است، هدایت نماید. (۵۹)

نقش و حضور نظامی ترکیه در منطقه از دو بُعد اهمیت دارد: اول اینکه این کشور دارای پایگاههای نظامی زمینی، دریایی و هوایی در نقاط مختلف خود است که موجب پشتیبانی ناتو و ایالات متحده آمریکا و اکنون اسرائیل در منطقه است که ایالات متحده را قادر می‌سازد که در

قفقاز و از جمله آذربایجان و آسیای مرکزی به بهانه مبارزه با تروریسم و در پنهان جلوگیری از گسترش نفوذ روسیه، ایران و چین حضور داشته باشد و با توجه به اینکه آذربایجان به دنبال متحدی استراتژیک برای تأمین در مقابل تهدیداتی است که به زعم خود از جانب روسیه و ارمنستان احساس می‌کند می‌خواهد از این امکان بهره‌گیرد.<sup>(۶۰)</sup> بعد دوم نقش ترکیه در برقراری روابط و همکاری‌های نظامی با آذربایجان و گرجستان می‌باشد. ترکیه به مدد احساس تهدیدی که گرجی‌ها و آذری‌ها از جانب حضور مجدد روسیه احساس کرده‌اند، به افزایش پیوندهای استراتژیک با این کشورها نه فقط در عرصه انرژی و اقتصاد، بلکه در مسائل دفاعی و امنیتی پرداخته است. گرجستان در ژوئن ۱۹۹۷ اولین موافقتنامه همکاری دفاعی خود را با ترکیه را امضا کرد که بموجب آن آنکارا آموزش افسران گرجی را متعهد شد و از زمانی که داوید توژادزه فارغ‌التحصیل وست پوینت آمریکا جانشین واریکونادیبادزه در وزارت دفاع گردید، همکاری‌های دفاعی دوجانبه با آمریکا و ترکیه افزایش یافت.<sup>(۶۱)</sup> مسعود یلماز نخست‌وزیر وقت ترکیه در زمان انعقاد قرارداد همکاری نظامی میان دو کشور گفت: «ما به گرجستان به عنوان یک شریک استراتژیک می‌نگریم». در فوریه سال ۲۰۰۰ فرستاده ویژه سلمیان دمیرل رئیس‌جمهور وقت ترکیه به تفلیس مسافرت کرد و در باره امکان آموزش نظامیان گرجی در ترکیه و در اختیار قرار دادن تجهیزات و سیستم‌های کنترل و نظارتی پیشرفته الکترونیک به ارتش گرجستان جهت تأمین امنیت خط لوله باکو - جیحان با مقامات بلندپایه آن کشور به گفتگو و تبادل نظر پرداخت.<sup>(۶۲)</sup>

همکاری‌های نظامی ترکیه و آذربایجان نیز پس از استقلال این جمهوری روبه توسعه بوده است و ارتش ترکیه در چارچوب برنامه PFP نظامیان آذربایجان را آموزش می‌دهند. ناتو در سال ۱۹۹۸ یک مرکز آموزش فرماندهی PFP را در آنکارا دایر نمود. این مرکز دوره‌هایی را در زمینه‌های مختلف PFP سازماندهی کرده و تا نیمه ۱۹۹۹ تعداد ۳۱۳ نفر از ۲۸ کشور در این دوره‌ها شرکت کردند. معاون ستاد کل ارتش ترکیه (جوینک بر) در ژوئن ۱۹۹۸ اعلام کرد که آنکارا برای تشکیل یک نیروی پاسدار صلح در قفقاز تلاش خواهد نمود.<sup>(۶۳)</sup>

گفتنی است ترکیه در جریان جنگ میان ارمنستان و آذربایجان بر سر قره‌باغ حامی و متحد آذربایجان بود و در قبال حوادث جنگ از این جمهوری جانبداری‌ها کرد. اوج آن را می‌توان در سال ۱۹۹۲ پس از اشغال بخشی از سرزمین آذربایجان از سوی ارمنستان یافت که ارتش ترکیه تهدید کرد که آماده حمله به ارمنستان است. اما مخالفت آمریکا و هشدار شدید روسیه مانع از هرگونه حرکتی از سوی آنکارا شد.

### نقش نظامی اسرائیل در قفقاز

پس از فروپاشی شوروی، اسرائیل همگام و هماهنگ با ناتو و آمریکا به عنوان یکی از رقبای بانفوذ وارد صحنه رقابت منطقه‌ای گردید. انگیزه‌ها و اهداف اسرائیل عبارتند از: ۱. ترس از دسترسی دشمنان اسرائیل در خاورمیانه به سلاحها و فن‌آوری هسته‌ای چنانچه موساد و سیا حرکات متخصصان انرژی هسته‌ای دولتهای منطقه را بدقت زیر نظر دارند؛ ۲. خارج کردن یهودیان منطقه قفقاز در شرایط اضطراری؛ ۳. ترویج اندیشه صهیونیستی در منطقه با بهره‌گیری از اقلیت یهودی ساکن در این جمهوری‌ها؛ ۴. توسعه پیوندهای اقتصادی و تجاری سپس توسعه روابط سیاسی و دیپلماتیک و بتدریج افزایش عمق استراتژیک در منطقه؛ ۵. جلب همکاری جمهوری‌های منطقه در مجامع بین‌المللی؛ ۶. تحکیم بیشتر روابط با آمریکا از طریق تحکیم پیوند با کشورهای منطقه و عمل کردن به عنوان سرپل؛ ۷. تحت‌الشعاع قرار دادن بُعد عربی خاورمیانه و تبدیل آن به خاورمیانه بزرگتری که به جای مرزهای شمالی ایران به مرزهای جمهوری‌های منطقه و روسیه متصل است؛ ۸. امکان بازگرداندن یهودیان مقیم در منطقه به اسرائیل؛ ۹. همجواری این منطقه با ایران از بُعد استراتژیک برای اسرائیل حائز اهمیت ویژه است. (۶۴)

کشورهای منطقه بنابه عللی روابط روبه‌گسترشی با اسرائیل دارند و در این میان جمهوری آذربایجان بیشتر از دیگران با اسرائیل رابطه دارد و طبق تحلیل آژانس خبرگزاری توران «اسرائیل در جمهوری آذربایجان بعنوان یک شریک بالقوه شناخته می‌شود». (۶۵) این



تعمیق و گسترش روابط دارای نموده‌های نظامی هم هست چنانچه برخی از منابع آگاه به فروش سلاح و تجهیزات از جمله موشک‌های استینگر توسط اسرائیل و ترکیه به این کشور اشاره کرده‌اند. البته رئیس جمهور آذربایجان به انکار و تکذیب آن پرداخته است. در جریان جنگ قره‌باغ آثاری از سلاح‌های سبک مختلف اسرائیلی در صحنه‌های جنگ وجود داشته است و برخی گزارش‌ها در نشریات اسرائیلی به معاملات موشک‌های استینگر و سیستم‌های ارتباطی نظامی بین اسرائیل و آذربایجان اشاره می‌کنند. (۶۶)

### ایران و تحولات نظامی منطقه قفقاز

روابط نظامی ایران با کشورهای قفقاز جنوبی در مقایسه با روسیه، ناتو، ترکیه و آمریکا چندان نمود و بروزی ندارد و نقش ایران در قفقاز بیشتر سیاسی و اقتصادی بوده است تا نظامی و اگر ادعاهایی از سوی طرفین درگیر در مناقشه قره‌باغ بویژه از سوی آذری‌ها مبنی بر کمک نظامی ایران به ارمنستان وجود دارد، اثبات نشده و در راستای توجیه و سرپوش گذاشتن مقامات آذری بر ناتوانی‌هایشان در بازگرداندن سرزمین‌های از دست رفته در جنگ با ارمنستان است. به هر حال این مسئله نیز متأثر از سایر ابعاد روابط ایران و آذربایجان است و با توجه به فرازونشیبی که روابط دو کشور طی بیش از یک دهه از استقلال آذربایجان داشته است نقش نظامی ایران در منطقه و متقابلاً فعل و انفعالات نظامی دشمنان راهبردی ایران در آذربایجان قابل بررسی است. رویکرد نظامی ایران در قفقاز از سه بُعد قابل مطالعه است که عبارتند از: ۱. جنگ قره‌باغ و ادعاهای ایفای نقش نظامی ایران؛ ۲. ملاحظات راهبردی ایران پیرامون تهدیدهای امنیت ملی ناشی از حضور نظامی قدرتهای معارض؛ ۳. مخالفت ایران با نظامی‌گری در دریای مازندران، قفقاز و آسیای مرکزی.

ایران اولین کشوری بود که استقلال آذربایجان را به رسمیت شناخت و روابط سیاسی خود را از سطح کنسولگری به سفارت ارتقاء داد. (۶۷) در جریان جنگ قره‌باغ، ایران به میانجیگری بین طرفین درگیر پرداخت و در چهارم تا ششم آبان ۱۳۷۲ / نوامبر ۱۹۹۳ رئیس

جمهور ایران از باکو دیدن کرد و ۱۳ سند همکاری در مذاکرات طرفین امضاء شد. محکومیت و تقبیح تجاوز ارمنستان به خاک آذربایجان، کمک به آوارگان جنگ قره‌باغ و تأمین مایحتاج مردم نخجوان اقداماتی بود که ایران انجام داده بود. اما در این میان دشمنان ایران بر این مطلب تأکید و تبلیغ می‌کردند که ایران در صدد صدور و تقویت گرایش‌های مذهبی مردم آذربایجان است. دولت آذربایجان در اوایل مهرماه ۱۳۷۳ با امضای قرارداد موسوم به قرارداد قرن با شرکتهای نفتی غربی، کنسرسیون نفت آذربایجان برای اکتشاف و استخراج نفت از سه حوزه نفتی دریای مازندران را تشکیل داد. در آبان ۱۳۷۳ ایران و آذربایجان توافق کردند که ۵ درصد از سهام کنسرسیون بین‌المللی نفت به ایران واگذار شود. یک سال بعد واگذاری ۵ درصد مزبور مورد مخالفت طرفهای غربی حاضر در کنسرسیون قرار گرفت و فشار آمریکایی‌ها بر دولت آذربایجان برای حذف ایران از کنسرسیون آغاز شد و بالاخره در فروردین ۱۳۷۳/ مارس ۱۹۹۵ م آذری‌ها بطور یکطرفه سهم ایران را لغو کردند و در مجموع فشارهای آمریکا، ترکیه و اسرائیل موجب کاهش روابط آذربایجان با ایران شد. این امر بر دولت‌مردان ایران بسیار گران آمد و آینده روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داد. تا این زمان ایران در حمایت و کمک به آذربایجان کوتاهی نکرده و در جنگ قره‌باغ ضمن کمک‌های آموزشی و غذایی که بسیار حیاتی بود و با ایجاد سه اردوگاه بیش از بیست میلیون دلار جهت کمک به اسکان آوارگان جنگی پرداخته بود و ... نیز دستگیری سران حزب اسلامی و انتساب جاسوسی ایشان برای ایران و تصویب قانون اساسی لائیک در آذربایجان مراحل دیگر تیرگی روابط دو کشور بود.<sup>(۶۸)</sup>

اما در زمانی که هنوز روابط دو کشور به تیرگی نگرانیده بود برخی مقامات نظامی آذری سخن از کمک‌های نظامی ایران به ارمنستان به میان می‌آوردند چنانچه یک افسر بلندپایه آذری «ایران را به ارسال سلاح به ارمنستان متهم کرد...» و در بیان علت این حمایت گفته شده است که آذربایجان برای کسب حمایت یا میانجیگری در هر گونه درگیری در آینده با ارمنستان به ایران نیازمند خواهد بود و در آن موقع ایران این امکان را خواهد داشت که خواستار گرایش مذهبی بیشتری در آذربایجان شده و از آن کشور بخواهد که روابط کمتری با غرب داشته باشد.<sup>(۶۹)</sup> یک

بار نیز توران خبرگزاری آذربایجان مدعی شده بود که در سال ۱۳۷۳ بیش از ۶۰ نفر از نظامیان ارمنستان پس از گذراندن دوره‌های آموزشی در پایگاه نظامی مرند به ارمنستان و قره‌باغ اعزام شدند و ادعا شد که هزینه آموزشی این نیروها توسط ارمنی‌های مقیم ایران پرداخت شده است. اما مقامات ایرانی اخبار مربوط به وجود چنین پایگاهی را تکذیب کردند<sup>(۷۰)</sup> و این قسم اقدامات با سیاستهای کلی ایران در منطقه مبنی بر جلوگیری از نظامی شدن منطقه مغایرت دارد و این مقدار کمک‌ها نیز نمی‌تواند تأثیری در تغییر اوضاع داشته باشد. اما بعید نیست که جناحهای وابسته به دولت به فرافکنی مشکلات داخلی خود پرداخته و بدنبال یافتن محملی بر ناتوانی‌های خود در بازپس‌گیری قره‌باغ و ایجاد بی‌ثباتی در ایران به این قسم مسائل دامن زده و به مسائل قومی و تهدید امنیت ملی ایران می‌پردازند تا عدم مشروعیت خود را پنهان نموده و افکار عمومی را به مسائل حاشیه‌ای جلب کنند.

این ادعاها و موضعگیری‌های طیفی از جناحهای آذربایجانی هم‌زمان با گسترش روابط نظامی و اقتصادی آن کشور با ایالات متحده، ناتو، اسرائیل و ترکیه رخ می‌داد و مقامات آذری در جستجوی یافتن تکیه‌گاه محکمی برای حل مسئله قره‌باغ و بعنوان واکنشی در قبال کمک‌های نظامی روسیه به ارمنستان و برای حل مشکلات اقتصادی و سیاسی غرب را به همکاری طلبیدند، اما آمریکا و ناتو و اسرائیل از این تعامل بیشترین بهره را نصیب خود می‌کنند. چون در این معامله غرب به اهداف راهبردی که یافتن جای پا در منطقه حساسی چون آذربایجان است دست می‌یابد و معلوم نیست تا چه حد نیازهای آذربایجان در این تعامل برآورده شود. اما در این میان برخی مقامات آذری از جمله صفرابی یف وزیر دفاع این کشور به مشارکت فعال آذربایجان در جنگ علیه تروریسم و نگرانی کشورهای همسایه و امن‌سازی مرزهایشان<sup>(۷۱)</sup> اشاره کرده است و معلوم نیست مسئله تروریسم و مبارزه با آن چه مقدار برای آذری‌ها سود و زیان دارد. البته وزیر امور خارجه آذربایجان در اول تیرماه ۱۳۸۲ اعلام داشت که برای ائتلاف علیه ایران حاضر به گفتگو هم نیستیم و آذربایجان نخواست است تا با آمریکا درباره موضوع ایران گفتگو کند.<sup>(۷۲)</sup> اما صرف حضور نظامی آمریکا در منطقه در صورتی که تخصصی میان ایران و آمریکا باشد،

خودبخود تهدیدی بر امنیت ملی ایران است. چنانچه روزنامه نژادسیمایاگازتا به نقل از منابع دیپلماتیک روسیه نوشت: «طرح برخورد آمریکا با ایران از عراق، آذربایجان و گرجستان انجام خواهد گرفت و آمریکا برای گشودن جبهه احتمالی علیه ایران از پایگاههای شوروی سابق از جمله پایگاههای هوایی ناسوسنیا، کردامیر و فرودگاههای باکو و گنجه بهره خواهد گرفت». فرودگاههای مزبور برای هواپیماهای جاسوسی و گروههای امداد و نجات کاربرد دارند. لازم به ذکر است واشنگتن و باکو اخیراً در زمینه استقرار نیروهای آمریکایی در خاک آذربایجان به توافق رسیده‌اند.<sup>(۷۳)</sup> روند روبه تزاید نظامی‌گری در منطقه به ضرر و زیان کشورهای این حوزه و به مثابه آب گل آلودی است برای قدرتهای ماجراجو و توسعه‌طلبی که در پی ماهی می‌گردند. پیچیدگی اوضاع قفقاز از زمان استقلال کشورهای آن تاکنون به تقویت و گسترش فرایندها و گرایشهای نظامی انجامیده است، لاینحل ماندن بحران قره‌باغ، ادامه اختلافات گرجستان و روسیه در آبخازیا و چچن، اختلاف کشورهای حوزه دریای مازندران پیرامون رژیم حقوقی و ... و بالاخره شکل‌گیری صف‌بندی‌های سیاسی - نظامی به روند نظامی شدن منطقه شتاب بیشتری داده است. نتیجه مهم و طبیعی این روند حضور و نفوذ آمریکا، اسرائیل و ناتو در منطقه است که این حضور بر شتاب مزبور سرعت بیشتری بخشیده است. ایران مخالف جدی با این روند است و بخشی از آسیبهای این جریان متوجه ایران است و بعداز حوادث ۱۱ سپتامبر ایالات متحده به نظامی‌گری در منطقه بیشتر دامن زده است و با توجه به اینکه به زعم رئیس جمهور آمریکا، ایران در محور شرارت قرار دارد، در بلندمدت حضور نظامی آمریکا در منطقه و حاکم شدن هرج و مرج به جای نظام امنیت جمعی، سایه‌ای از تهدید را بر فراز مرزهای شمالی کشور ایجاد خواهد کرد. طی دو سه سال اخیر چند مانور نظامی در دریای مازندران و در قفقاز به اجرا درآمده است که جلوه‌های این مسابقه برای نظامی شدن است و بدیهی است اگر ایران نیز در مناطق شمالی اعم از دریا و خشکی به فکر مقابله و کسب آمادگی‌های لازم برای رفع تهدیدهای احتمالی آتی نباشد، آسیب‌پذیر خواهد بود. بنابراین باید تدابیری اندیشیده شود و اگر روزی کار به رویارویی‌های نظامی بیانجامد، ایران و متحدین آن توانمندی‌های انسانی، اقتصادی، جغرافیایی، تسلیحاتی و

معنوی زیادی دارند که بهره‌گیری خوب از این امکانات برای مقابله با رقبایی که از راههای دور به این منطقه آمده‌اند مفید و مؤثر خواهد بود.

اما لازم است ایران در منطقه نقش و حضور پررنگ‌تر و بیشتری داشته باشد و حتماً مسائلی نظیر انعقاد قرار داد فروش گاز و برق که اخیراً میان ایران و ارمنستان امضا شد می‌تواند گسترش روابط سیاسی دو کشور را هم بدنبال داشته باشد. براساس قرارداد مزبور صدور گاز به ارمنستان از سال ۲۰۰۷ میلادی آغاز خواهد شد و قرار است خط لوله گاز ایران به ارمنستان احداث شده و به گرجستان ادامه یابد و گاز ایران را به اروپا برساند. (۷۴)

### نتیجه‌گیری

منطقه قفقاز به سبب اهمیت ژئوپلیتیک و اقتصادی‌اش و بنا بر ویژگی‌های دیگرش هم در ادوار مختلف تاریخی‌اش و هم در تحولات دنیای پس از فروپاشی شوروی حادثه‌خیز و پرتنش و در تأثیر و تأثر متقابل بحرانهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. روند حوادث دهه اخیر در منطقه و وجود کانونهای بحران در قفقاز شمالی و در قریب‌باغ و روابط جمهوری‌های قفقاز جنوبی با قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و جاذبه‌های نظامی و اقتصادی منطقه برای آمریکا و ناتو وضع دشوار، پیچیده و بغرنجی را در منطقه رقم زد و گذشت زمان بر شدت آن می‌افزاید و به قول کارشناسی، منطقه به بشکه باروتی مبدل شده است. بنابراین، روند پرشتابی در نظامی شدن منطقه که در افزایش روز بروز اعطای کمکهای نظامی به کشورهای منطقه، احداث پایگاههای نظامی بیشتر، برگزاری مانورهای نظامی در دریای مازندران و قفقاز به بهانه‌های مختلف، نمود دارد، دیده می‌شود، روندی که به صف‌بندی‌های نظامی - سیاسی قدرتهای بزرگ انجامیده و قدرتهای صاحب نقش را بیش از پیش به آمادگی‌ها و تدارکات نظامی سوق می‌دهد.

این روند برای کشورهای منطقه هم زیانبخش و برای قدرتهایی که از راههای دور بدان فراخوانده شدند مفید و پرثمر است زیرا در اثر حضور آنها با اعمال فشار بر کانونهای رقیب و معارض آنها در منطقه هم منافع استراتژیک آنها تأمین خواهد شد و هم منافع اقتصادی برای آنها

خواهد داشت. بنابراین، تاکنون با نظامی شدن منطقه کشورهای منطقه آسیب پذیر شده‌اند، بویژه روسیه در حیات خلوت خود با مزاحمینی روبرو شده و ایران در تیررس دشمنانی مثل آمریکا و اسرائیل قرار گرفته است و اگر اتفاقی بیافتد بیشتر و پیشتر از همه کشورهای منطقه آسیب خواهند دید. پس راه حل چیست؟ جلوگیری از نظامی شدن منطقه چاره تمام دردها و مشکلات منطقه است و موفقیت در این زمینه زحمات، سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی و بسیاری ملاحظات را می‌طلبد. حل معضلات بحران‌زا با حضور و نقش کشورهای منطقه بویژه با نقش کدخدانمشانه کشورهای قدرتمند منطقه، رفع سوء تفاهات و جلب اطمینان و اعتماد متقابل میان کشورهای منطقه، توسعه مناسبات اقتصادی و تجاری میان کشورهای منطقه و مساعدت و کمک کشورهای قدرتمند و ثروتمند به فقیرترها و ضعیف‌ترها و جلوگیری از روی آوردن آنها به قدرتهای ماجراجوی فرامنطقه‌ای، تشکیل و تقویت پیمانهای امنیتی و اقتصادی با حضور همه کشورهای منطقه، تأمین امنیت منطقه و رفع موانعی که مستمسک قدرتهای سلطه‌جو در منطقه است نظیر تأمین امنیت لوله‌های نفتی و رفع معضلاتی که تحت عنوان «مسئله تروریسم» بهانه دامن زدن به نظامی‌گری در منطقه شده است.

هرچند تحقق این اهداف بسیار سخت است اما بازگشت امنیت به منطقه و پیشرفتی که در سایه دوستی و همکاری میان کشورهای منطقه حاصل خواهد شد به زحمات طاقت‌فرسای آن خواهد ارزید. به هر حال مسائل نظامی منطقه قفقاز جنوبی کاملاً با قدرتها و کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گره خورده و پیچیدگی اوضاع نیز بدین خاطر است و حل مشکلات نیز بدست آنها خواهد بود.

## یادداشت‌ها

1. *Jane's Defence Review*, Nov.1999.
2. *SIPR Yearbook 2000*, Armament, Disarmament and International Security, (Oxford University 2000), p.230.
3. محمدحسین انشردی: ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دوره عالی جنگ،

- دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، چاپ اول، تهران ۱۳۸۲، ص ۲۱۹.
۴. گزارشی در مورد وضعیت نظامی جمهوری آذربایجان، نشریه شناسایی، شماره ۲۳، معاونت فرهنگی ستاد فرماندهی کل قوا، فروردین ۱۳۷۶، ترجمه زره‌گر از هفته نامه *Jane's Defence* چاپ لندن، ۱۴ فوریه ۱۹۹۷.
۵. یحیی فوزی، ساختار قدرت همسایگان ایران: همسایگان شمالی (ترکمنستان، آذربایجان و ارمنستان)، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، فصلنامه بررسی‌های نظامی، سال ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۷۴، صص ۱۶ و ۲۳، اولس اسمولانسکی، روسیه و قفقاز مسئله قره‌باغ کوهستانی، مجله آران، شماره ۳، (زمستان ۱۳۸۲)، ص ۳۱.
6. *Military Balance*, 1994-5, p.87 & pp.80-162. IISS: Russia and Territory of the Former Soviet Union Showing 1994.
۷. اسکات. آ. جونز، منافع استراتژیک ترکیه در قفقاز، فصلنامه سیاست دفاعی، پژوهشکده علوم دفاعی، دانشگاه امام حسین (ع) شماره‌های ۳۰-۲۹، ص ۳۶.
8. *Military Balance*, 2003-4, p.65.
۹. افشردی، همان، ص ۲۲۵.
10. *Military Balance*, 2003-3, p.87.
۱۱. جهانگیر کرمی، بازی بزرگ جدید در قفقاز، همان، ص ۹.
۱۲. الکساندر باباکیان، مناطق بی‌خطر در دفاع موشکی، نشریه بررسی مستقل نظامی، ۱۳. افشردی، همان، ص ۲۲۰.
- www.Russian news, 5 June 2004.
14. *Eastern European Yearbook*, 1994, p.162.
15. IISS, Ibid.
۱۶. افشردی، همان، ص ۲۲۶.
۱۷. سیاست روسیه در قفقاز، ماهنامه ارتش امروز، چاپ پاریس، مارس ۲۰۰۰، اسفند ۱۳۷۹، ترجمه علمایی، نشریه شناسایی، شماره ۴۸، خرداد ۱۳۷۹، ص ۲۶.
18. IISS, Ibid.
۱۹. پیشروی ناتو به سمت قفقاز و آسیای میانه، هفته نامه ایشیگل، چاپ آلمان، ۵ جولای ۱۹۹۹، ترجمه علامه‌زاده، نشریه شناسایی، مهرماه ۱۳۷۸، ص ۲۳. اولس اسمولانسکی، همان، ص ۳۰.

۲۰. افشردی، همان، صص ۲۲۶-۲۲۷.
۲۱. بهرام امیراحمدیان، امنیت جمهوری آذربایجان و ناتو، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوازدهم، دوره سوم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۸۲، صص ۱۳۱.
22. *Military Balance*, 2003-4, p.64.
۲۳. میخائیل جذنوف، قفقاز در آستانه جنگ جدید، *Russian News* خبرگزاری فارس ۸۳/۲/۳۰، اسکات، آجوزن، همان، صص ۳۶.
24. *Military Balance*, 2002-3, p.86-7.
25. *Yearbook*, 2000.
۲۶. پیشروی ناتو به سمت قفقاز و ...، صص ۲۳، کرمی، همان، صص ۹.
27. *SIPRI Yearbook*, 2003, p.696.
۲۸. تحولات عمده نظامی جهان، به اهتمام حسین اردستانی و علی پورقلی، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران مؤسسه تحقیقاتی دفاعی - امنیتی، چاپ اول، تهران ۱۳۸۳، صص ۳۳۵.
29. *Military Balance*, 2003-4, p.73.
30. *Russian News*, 5 June 2004.
۳۱. روزنامه اطلاعات، ضمیمه اطلاعات، ۷ خرداد ۱۳۸۳، ۲۷ مه ۲۰۰۴، صص ۸.
۳۲. سعید داوری، روسیه بازنده اصلی تحولات گرجستان، کیهان، ۸۳/۲/۲۳.
۳۳. گزارشی در مورد وضعیت نظامی آذربایجان، صص ۹.
۳۴. صف‌آرایی آمریکا و ساکاشویلی در برابر روسیه و آباشیدزه، وقایع اتفاقیه، ۱۳۸۳/۲/۷.
۳۵. گزارشی در مورد وضعیت نظامی آذربایجان، صص ۲۴.
۳۶. فردریک کوئن، ناتو و قفقاز جنوبی، تلاش بسیار برای هیچ؟، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۸۲، صص ۱۸۴.
37. *Military Balance*, 2002-3, p.37.
۳۸. امیراحمدیان، همان، صص ۱۳۶.
39. *Military Balance*, 2003-4, p.65.
۴۰. امیراحمدیان، همان، صص ۱۲۷.
۴۱. فرزاد صمدلی، تأسیس پایگاه‌های نظامی آمریکا در آذربایجان و امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۹، صص ۶۴.



۴۲. نگاه کنید به: *New Europe*, 6-12, September 1999.

و فرزاد صمدلی، همان، ص ۶۴، ابوالفضل صدقی، سیاست خارجی آمریکا در حوزه خزر و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، سیاست دفاعی، شماره ۴۱-۴۰، ص ۷۷، کرمی، همان، ص ۱۵ - در ۲۰ آوریل ۲۰۰۰ روبرت کندی رئیس مرکز جورج مارشال آمریکا و سپس و تتوریو رئیس کمیته نظامی ناتو به همراه یک هیأت وارد باکو شده و با سران جمهوری آذربایجان مذاکره نمودند.

۴۳. امیراحمدیان، همان ص ص ۱۱۹-۱۱۸.

۴۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۸۲/۹/۱۹، ص ۶. رامسفلد وزیر دفاع آمریکا به تغییراتی در چارچوب نیروهای نظامی آمریکا در نقاط مختلف جهان، بخصوص آلمان تصریح کرد.

۴۵. امیراحمدیان، همان، ص ۱۳۶.

۴۶. همان، ص ۱۳۷.

۴۷. روزنامه جمهوری اسلامی، همان.

۴۸. حسین قاسمی، ترکیه و قفقاز، نگرانی‌های امنیتی - منطقه‌ای، ص ۹۴.

۴۹. همان.

50. *Military Balance*, 2003-4, p.31.

۵۱. صدقی، همان، ص ۷۷. محمد صالح گوسایف، روسیه و آمریکا در قفقاز جنوبی، شرکای آتی یا رقبای آینده، ترجمه حسن نیازی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۲، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۸۲، ص ۲۳۶.

52. *Military Balance*, *Ibid.*, p.32.

۵۳. ضمیمه دیپلماتیک، روزنامه همشهری، افتتاح پایگاه آمریکا در قفقاز، سال اول شماره ۱۶، اسفند ۱۳۸۰.

۵۴. فرزاد صمدلی، همان، ص ۶۴، به نقل از کارنیک باقالیان سیاستمدار آذری.

۵۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ص ۶ به نقل از واشنگتن پست.

۵۶. امیراحمدیان، همان، ص ۱۱۷.

۵۷. همان، ص ۱۳۲. جراید آمریکایی حضور این نیروها در آذربایجان برای مبارزه با تروریسم و تأمین امنیت را طرحهای غربی قلمداد کرده‌اند اما روزنامه‌های روسی تأمین امنیت را طرحهای غرب در زمینه انرژی منطقه، آغاز رسمیت یافتن اشغال جمهوری آذربایجان، آغاز جنگ جهانی سوم، تسلط آمریکا بر منابع طبیعی و ارزشهای اخلاقی و معنوی جامعه آذربایجان و ... اهداف و آثار این تحرکات بیان کرده‌اند.

۵۸. افشردی، همان، ص ۲۲۱، ص ۳۵، امیراحمدیان، همان، ص ۱۱۶.

۵۹. قاسمی، همان، صص ۹۴-۹۳ و ۱۰۰-۱۰۱.
۶۰. امیراحمدیان، همان، صص ۱۳۰-۱۳۱، تأسیسات و پایگاههای نظامی آمریکا در ترکیه عبارتند از:  
 ۱. تأسیسات سینوب در شمال ترکیه در ساحل جنوبی دریای سیاه، ۲. در دیاربکر در جنوب شرق ترکیه در مرکز کردستان ترکیه، ۳. انجیرلیک در آدانا؛ ۴. اسکندرون در یومورتالیک نزدیک مرز ترکیه با سوریه؛ ۵. چیغلی در کنار دریای مدیترانه؛ ۶. گارگا بورون در غرب ترکیه. همچنین ۱۱۶ ایستگاه رادار، مراکز مختلف فرماندهی، کنترل و تأمین امکانات لجستیک در نقاط مختلف ترکیه.
۶۱. اسکات. آ. جونز، همان، صص ۳۷.
62. William Hale, Turkey, The black Sea & Transcaucasia
۶۳. قاسمی، همان، صص ۹۵.
۶۴. هاشمی، قفقاز و قدرتهای فرامنطقه‌ای، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۲، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۸۲، صص ۹۵.
65. Bulent Aras, "Post Cold - war Relations: Israel's Strategy in Azarbaijan and Central Asia", *Middle East Policy*, Vol.7, No.4, Jan 1998, p.69.
۶۶. نگاه کنید به: محمد سجادیپور، رابطه امنیت و توسعه در آسیای میانه و قفقاز، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۲، شماره ۴، بهار ۷۳.
۶۷. افشردی، همان، صص ۳۶۵.
۶۸. همان، صص ۳۶۷-۳۷۰.
۶۹. گزارشی در مورد وضعیت نظامی آذربایجان، صص ۷-۹.
۷۰. امیراحمدیان، همان، صص ۱۴۰.
۷۱. همان، صص ۱۳۶.
۷۲. روزنامه آسیا، ۱۳۸۲/۴/۲، صص ۳.
۷۳. روزنامه ایران، ۱۳۸۲/۳/۱۰.
۷۴. عارف واحدناوان، «ایران و چشم‌انداز همگرایی در قفقاز»، روزنامه ایران، ۱۳۸۳/۳/۱۹، ۸ ژوئن ۲۰۰۴.